



ناگفته‌های دکتر سید شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد دولت‌های نهم و دهم

برنامه اقتصادی اسلامی جدا از اصل ۴۴ بی‌معناست

اینکه ما بیایم در کنار قانون اساسی جمهوری اسلامی و سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی که توسط رهبری ابلاغ شده است، یک برنامه اقتصادی اسلامی مجزا هم بنویسیم، یک اشتباه است

شکست‌ها و کاستی‌های اقتصادی بازار در انجام وظایف اقتصادی هستند. جالب است بدانید وقتی بنده در سال ۱۳۸۷ برای کسب رأی اعتماد به مجلس رفته بودم، یکی از نمایندگان مجلس که عضو کمیسیون برنامه و بودجه و اتفاقاً اقتصاددان هم بود، به من گفت: «تا آنجا که شما را می‌شناسم، نهادگرا هستید، با توجه به این نوع تفکر اقتصادی، برنامه‌تان برای اقتصاد ایران چیست؟» یعنی یک اقتصاددان عضو مجلس، بنده را نهادگرا می‌داند، در حالی که شما از من به عنوان فردی متمایل به اقتصاد بازار یاد می‌کنید. من در همان جلسه نیز به این نماینده مجلس گفتم، «من اساساً در اداره امور اقتصادی کشور به هیچ‌وجه خودم را در اختیار دیدگاه یا مکتب خاصی قرار نمی‌دهم.»

یادتان باشد مسائل و موضوعات اقتصاد ایران متعلق به اقتصاد ایران است و برای پیشبرد امور کشور با توجه به ماهیت آن مسأله باید از دانش اقتصاد کمک گرفت. مجموعاً در ۵ سالی که بنده در وزارت اقتصاد بودم، تلاشم این بود که در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و حتی

پاسخ‌های مکاتب اقتصادی برای حل مسائل اقتصادی پیش بیاید. برای مثال وقتی سؤالات پیش پافتاده، اما مهمی مانند اینکه متولی تولید و توزیع کالاها کیست؟ مطرح می‌شود، برای پاسخ به این سؤالات، دسته‌بندی مکاتب و طرفداران مکاتب کار دشواری است و قطعاً به راحتی تقسیم‌بندی‌هایی که شما می‌بینید، نیست. شاید برجسته‌ترین اقتصاددانان که، هم علم عمیقی در حوزه اقتصاد و هم تجربه وسیعی در حوزه عملکرد سیاست‌های اقتصادی دارند، بتوانند یک طبقه‌بندی قابل‌پذیرش در این باب ارائه دهند. برای مثال در گروه اقتصاد بازار در افراطی‌ترین شکل آن، افرادی مانند نئوکلاسیک‌های لیبرال قرار می‌گیرند. پو لیون (مانی تاریست‌ها) و با تفاوت‌هایی طرفداران مکتب اتریش در این طیف قرار می‌گیرند. در یک طبقه‌بندی، حتی نئوکلاسیک‌های لیبرال از نئوکلاسیک‌های رفاه تفکیک می‌شوند. هر دو گروه، اقتصاد بازار را پایه می‌دانند ولی لیبرال‌ها به هیچ‌وجه مداخله دولت را در اقتصاد نمی‌پذیرند. حال آنکه طرفداران نئوکلاسیک رفاه قائل به مداخله کارای دولت برای جبران

از شماره امروز ایران اقتصادی، جلد نخست کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران به قلم مهدی و میثم مهرپور حاوی گفت‌وگو با سید شمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت‌های نهم و دهم منتشر خواهد شد. در شماره‌های پیشین روزنامه، جلد دوم این کتاب که شامل گفت‌وگوهایی با محمد جواد ابروئی، وزیر اقتصاد سال‌های ۶۴ تا ۶۸ بود، منتشر شد که درباره فضای اقتصاد ایران در دوران جنگ و افراد مؤثر در تصمیم‌گیری‌های آن دوران بوده است. جلد اول کتاب که از امروز به آن پرداخته می‌شود، روایت نزدیک‌تری از اقتصاد ایران است و مربوط به سال‌های ۸۷ تا ۹۲ می‌شود که احتمالاً وقایع این دوران نسبت به سال‌های جنگ برای بسیاری از خوانندگان، ملموس‌تر خواهد بود.

معرفی کرد، بیشترین طیفی که از شما در آن مقطع دفاع کرد، طیف نزدیک به اقتصاددانان لیبرال و مدافع بازار آزاد بود. اگر قرار باشد شما یا دیگران، بنده را طرفدار اقتصاد بازار قلمداد کنید، سؤالی که من از شما دارم، این است که در مقابل اقتصاد بازار، کدام اقتصاد را قرار می‌دهید؟ ما طبقه‌بندی بسیار ساده‌شده‌ای در اقتصاد داریم که یک طرف را اقتصاد بازار و طرف دیگر را سوسیالیسم می‌داند. حالا اگر ما به این دسته‌بندی معتقد باشیم، من از شما سؤال می‌کنم اقتصاد جمهوری اسلامی در کجای این طبقه‌بندی قرار دارد. متأسفانه عده‌ای خیلی راحت افراد را تقسیم‌بندی می‌کنند که این، یکی از آسیب‌های موجود در اقتصاد ایران است. زمانی می‌توانیم روی چهارچوب عقاید افراد تمرکز کنیم که بحث بر سر

اجازه بدهید با یک مصداق بسیار ساده منظورم را بیان کنم. چند روز قبل از حضور شما در مجلس برای گرفتن رأی اعتماد، با اقتصاددانان و صاحب‌نظران زیادی در مورد شما، تفکرات اقتصادی‌تان و حتی کارنامه‌ای که قبل از ورود به دولت آقای احمدی‌نژاد داشتید، گفت‌وگو می‌کردم. برخی از این افراد مانند اکبر کمیجانی، شما را فردی معتقد به اقتصاد آزاد می‌دانستند و از این حیث، با توجه به اختلاف نظری که چنین افرادی با دولت نهم داشتند، اما در مجموع حضور و رویکرد شما را برای اقتصاد ایران مثبت دانسته و از شما دفاع می‌کردند. استدلال من نیز از اینکه شما را طرفدار اقتصاد بازار می‌دانم بیشتر بر این اساس است. اگر یادتان باشد وقتی احمدی‌نژاد شما را به عنوان وزیر اقتصاد

در ابتدا می‌خواستم در مورد تفکرات اقتصادی‌تان توضیح بدهید. برخی از دوستان شما، از جناب‌عالی به عنوان فردی مدافع اقتصاد بازار یاد می‌کنند و بر این باورند که سید شمس‌الدین حسینی فردی معتقد به آموزه‌های اقتصاد آزاد است. سؤال من مشخصاً این است، چطور می‌شود فردی با این تفکرات اقتصادی، وارد تیم اقتصادی محمود احمدی‌نژاد شده و در یک مدت بسیار کوتاه، تبدیل به یکی از تئوریسین‌های اصلی اقتصادی دولت شود. من از شما سؤال می‌کنم بر چه اساسی می‌گویید، من لیبرال هستم؟!



کتاب

با وجود اصل ۴۴ برخی هنوز طرح ارائه می‌دهند

وقتی شما مسئول اداره امور اقتصادی کشور هستید، باید شرایط کشور را بررسی کنید و چهارچوب‌های اصلی اداره کشور را در نظر بگیرید، سپس متناسب با آن تصمیم‌گیری کنید. نگاه من به مکاتب اقتصادی از ابتدا بر این پایه استوار بوده است. اگر شما به مقالات بنده در نشریات مختلف هم رجوع کنید مؤید این نکته است. در پاییز ۸۶ زمانی که هنوز وزیر اقتصاد هم نشده بودم در فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، مقاله‌ای تحت عنوان «تعامل دولت و بازار و رویکرد تنظیم در اقتصاد ایران» نوشته بودم که همین مباحث در آنجا نیز مورد تأکید من بوده است. کما اینکه ۵ سال در اواخر دوران حضورم در وزارت اقتصاد، کتابی را تحت عنوان «نقش و جایگاه دولت در اقتصاد، از نظریه تا عمل» به اتفاق دو نفر دیگر نوشتم که به همان موارد قبل اشاره داشت. برای من خیلی عجیب است که بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که به نوعی منشور اداره اقتصاد کشور محسوب می‌شود همچنان عده‌ای طرح دادن در باب ساختار اقتصاد ایران نقل محافل‌شان است. در مجموع در یک تقسیم‌بندی کلی معتقدم که هیچ‌گاه اقتصاد ایران، نه کاملاً دولتی به معنای سوسیالیستی و نه کاملاً آزاد بوده است



مجموعاً در ۵ سالی که بنده در وزارت اقتصاد بودم، تلاشم این بود که در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و حتی برنامه‌های توسعه، وزارتخانه‌ام را اداره کنم. ضمن اینکه بنده برخی از مسائل را بازی با واژه‌ها و کلمات می‌دانم. برای مثال تعدادی از اقتصاددانان یا فعالان اقتصادی در کشور وجود دارند که اگر سابقه آنها را بررسی کنیم، تفکرات شدید چپ اقتصادی و یا حتی گرایش به احزابی چون حزب توده به وضوح در کارنامه آنان دیده می‌شود. این افراد امروزه خودشان را مقابل اقتصاد بازار می‌دانند، اما از آنجا که نمی‌توانند مواضع چپ خود را با صراحت اعلام کنند، به دنبال اردوگاه‌های جدیدی می‌گردند